

مفهوم شناسی حقیقت هدایت در قرآن

فاطمه بختیاری^۱

چکیده

مسئله‌ی اصلی این پژوهش بررسی «مفهوم‌شناسی حقیقت هدایت در قرآن کریم» است؛ چراکه هدایت در متون وحیانی نه صرفاً به معنای راهنمایی، بلکه به منزله یک حقیقت مطلق و فراگیر مطرح است. قرآن کریم با بیان جلوه‌های مختلف حقیقت هدایت در قالب نور، کتاب مبین، فطرت، غلبه حق بر باطل و مراتب ایمان، افق‌های جدیدی برای فهم نسبت انسان با خداوند می‌گشاید. از همین رو ضرورت دارد این مفهوم بر اساس سیاق آیات و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های مفسران شیعه و سنی بازشناسی شود. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. در این مسیر، آیات مرتبط با هدایت استخراج شده و با تکیه بر تفاسیر مهمی چون جامع البیان طبری، مجمع البیان طبرسی، مفاتیح الغیب فخر رازی و المیزان علامه طباطبایی مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل سیاق آیات، مبنای فهم دقیق‌تر حقیقت هدایت و تمایز اقسام آن قرار گرفته است. هدف تحقیق، کشف ابعاد معنایی و کارکردی هدایت در قرآن و تبیین ارتباط آن با حقیقت مطلق است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هدایت قرآنی در پنج سطح اصلی (تکوینی، تشریعی، ایصال به مطلوب، عام و خاص) تبلور یافته و هر یک در سیاق خاص آیات، معنای ویژه‌ای پیدا می‌کند. در نهایت روشن شد که حقیقت هدایت در قرآن فرایندی جامع است که از خلقت آغاز می‌شود، در شریعت و اختیار انسانی ادامه می‌یابد و در نهایت به قرب الهی ختم می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: حقیقت، هدایت قرآنی، هدایت تکوینی، هدایت تشریعی، سیاق آیات.

^۱ طلبه حوزه علمیه ریحانه النبی مارلیک

مقدمه

هدایت در قرآن کریم یکی از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که مبنای بسیاری از آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و تربیتی اسلام قرار گرفته است. این مفهوم نه تنها به معنای راهنمایی و نشان دادن مسیر است، بلکه با حقیقتی عمیق‌تر گره خورده که رهایی انسان از ضلالت و رسیدن به کمال مطلوب را تضمین می‌کند. بررسی دقیق حقیقت هدایت در قرآن نشان می‌دهد که این مقوله صرفاً یک امر اعتباری یا نمادین نیست، بلکه ریشه در سنت الهی و نظام هستی دارد و در سطوح مختلف تکوینی، تشریعی و وجودی جلوه‌گر می‌شود.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که حقیقت هدایت در قرآن کریم چه ابعادی دارد و چگونه می‌توان با مطالعه‌ی مصادیق هدایت در آیات قرآنی، به تبیین جامع آن دست یافت؟ مطالعه‌ی هدایت در قرآن اهمیتی دوچندان دارد؛ زیرا این موضوع به صورت مستقیم با سعادت فردی و اجتماعی انسان پیوند می‌خورد. شناخت حقیقت هدایت، زمینه‌ی درک بهتر از جایگاه انسان در نظام خلقت و وظیفه‌ی او در قبال پروردگار را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به چالش‌های فکری و فرهنگی معاصر، بازخوانی آموزه‌های قرآنی درباره هدایت می‌تواند به تبیین راهکارهایی برای تربیت دینی، تحکیم هویت اسلامی و مقابله با جریان‌های انحرافی یاری رساند. در حوزه‌ی علوم قرآنی و تفسیری، پژوهش‌های متعددی پیرامون موضوع هدایت انجام شده است. برخی آثار بر معناشناسی واژه هدایت در قرآن تمرکز داشته‌اند، گروهی دیگر به تبیین ابعاد تربیتی و اخلاقی آن پرداخته‌اند و عده‌ای نیز هدایت را در پیوند با مفاهیمی چون ضلالت، نبوت و وحی بررسی کرده‌اند. با این حال، همچنان جای یک پژوهش جامع که حقیقت هدایت را در پرتو مصادیق قرآنی به صورت نظام‌مند واکاوی کند، خالی به نظر می‌رسد. از این رو تحقیق حاضر می‌کوشد این خلأ را پر کرده و با نگاهی تحلیلی و موضوعی، ابعاد گوناگون هدایت در قرآن را روشن سازد.

۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش، «هدایت» به عنوان یک مفهوم محوری قرآن، از سطح واژه تا سطح نظریه پیگیری می شود: نخست، معنای لغوی آن و مؤلفه‌های اصلی‌اش (نشان دادن راه و رساندن به مقصد) روشن می گردد؛ سپس، معنای اصطلاحی در کاربرد قرآنی با تفکیک مراتب تکوینی، تشریعی و خاص تبیین می شود.

۱.۱. معنای لغوی هدایت

هدایت در لغت از ریشه «ه د ی» گرفته شده و در اصل به معنای «راه نمودن، دلالت کردن و رساندن به مقصد» آمده است. در منابع لغوی معتبر عربی، مانند لسان العرب و مفردات راغب، این واژه هم به معنای صرف «نشان دادن راه» و هم به معنای «ایصال إلى المطلوب» یعنی رساندن فرد به مقصد به کار رفته است. به همین دلیل، هدایت در کاربردهای قرآنی صرفاً به ارشاد و بیان مسیر محدود نمی شود، بلکه نوعی دستگیری و یاری برای پیمودن راه حق را نیز در خود دارد. برخی لغویان تصریح کرده اند که «الهُدَى ضِدُّ الضَّلَالِ»؛ یعنی هدایت نقطه مقابل گمراهی است و دربردارنده نوعی جهت گیری مثبت و هدفمند به سوی حقیقت می باشد (ابن منظور، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۵۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۳۲).

گاه هدایت در برابر «اضلال» تعریف شده است؛ بدین معنا که اگر اضلال به معنای بازداشتن از مسیر حق یا خارج کردن از طریق مستقیم باشد، هدایت نقیض آن و به معنای سوق دادن به سوی صراط حق خواهد بود (فیض کاشانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۵). همین تقابل نشان می دهد که هدایت از منظر قرآن امری دوسویه است: از یک سو انسان به واسطه فطرت و عقل به سوی حقیقت متمایل می شود، و از سوی دیگر موانع و آفات بیرونی و درونی می توانند او را از این مسیر بازدارند.

همچنین واژه هدایت در زبان عربی دارای بار عاطفی و تربیتی است. در جایی که انسان یا حیوانی برای رسیدن به مقصدی نیاز به همراهی دارد، هدایت به معنای «همراهی و رساندن» استعمال می شود. بنابراین هدایت در اصل لغوی، ضمن آنکه شامل نشان دادن مسیر است، مستلزم نوعی یاری

و دستگیری نیز هست (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۱). این معنا با کاربرد قرآنی هدایت که غالباً با رحمت و لطف الهی پیوند خورده است، هماهنگی کامل دارد.

۱،۲. معنای اصطلاحی هدایت در قرآن

هدایت در اصطلاح قرآنی مفهومی چندلایه است که تنها به معنای لغوی بسنده نمی‌شود. در قرآن کریم، این واژه در سطوح و مراتب مختلفی به کار رفته است. نخستین مرتبه آن «هدایت تکوینی» است؛ بدین معنا که همه موجودات از جانب خداوند به مسیر وجودی خاص خود راهنمایی می‌شوند. آیه‌ی «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/۵۰) شاهدی روشن بر این معناست. این هدایت، امری فراگیر است و کل نظام هستی را در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۵).

مرتبه دیگر، «هدایت تشریعی» است که اختصاص به انسان دارد. خداوند با ارسال پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی، راه درست زندگی و رسیدن به سعادت را برای بشر تبیین کرده است. آیات فراوانی از قرآن، از جمله «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره/۱۸۵)، بر این بُعد از هدایت تأکید دارند. در اینجا، هدایت نه تنها بیان یک مسیر نظری، بلکه طرحی جامع برای حیات فردی و اجتماعی انسان است (سبحانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۹۰).

همچنین در قرآن از «هدایت خاص» نیز سخن به میان آمده است؛ هدایت ویژه‌ای که شامل مؤمنان راستین می‌شود و آنان را در مسیر کمال یاری می‌کند. این هدایت، نتیجه‌ی ایمان و عمل صالح است و با هدایت تشریعی تفاوت دارد؛ زیرا هدایت تشریعی برای همه مردم عرضه شده است، اما هدایت خاص تنها برای کسانی است که به دعوت الهی پاسخ مثبت می‌دهند: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى» (محمد/۱۷). این هدایت به معنای اعطای توفیق و عنایت خاص خداوند است (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۴۳).

در اصطلاح قرآنی، هدایت گاه به معنای «ارائه طریق» و گاه به معنای «ایصال به مطلوب» آمده است. برخی مفسران این دو معنا را در عرض هم نمی‌دانند، بلکه مراتب یک حقیقت واحد می‌دانند.

انگارند. در یک مرحله، هدایت تنها به معنای نشان دادن راه است؛ مانند «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ» (انسان/۳). در مرحله دیگر، هدایت به معنای رساندن به مقصد است؛ مانند «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى» (لیل/۱۲) (طباطبایی، بی تا، ج ۲۰، ص ۸۵). این دو مرحله در حقیقت، مکمل یکدیگرند و بیانگر آنند که هدایت در قرآن، هم جنبه معرفتی دارد و هم جنبه وجودی و عملی.

یکی از ضرورت‌های پژوهش در مفهوم هدایت، تمایز آن از مفاهیم نزدیک و مشابه است. در قرآن کریم، واژگانی چون «ارشاد»، «بیان»، «تعلیم» و «تسدید» به کار رفته‌اند که هر یک شباهت‌هایی با هدایت دارند، اما دقیقاً معادل آن نیستند.

«ارشاد» بیشتر به معنای نشان دادن راه صحیح است بدون آنکه الزاماً رساندن به مقصد را دربر گیرد. به همین دلیل، ارشاد جنبه‌ای محدودتر از هدایت دارد. در حالی که هدایت در قرآن غالباً با مفهوم «ایصال» پیوند خورده و فراتر از صرف دلالت است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۱۲).

«بیان» نیز به معنای روشن ساختن حقیقت است. گرچه بیان یکی از مقدمات هدایت است، اما همه هدایت در آن خلاصه نمی‌شود. ممکن است حقیقتی برای انسان بیان شود ولی او در عمل از آن بهره نگیرد. در این حالت، بیان تحقق یافته ولی هدایت محقق نشده است (فیض کاشانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۷).

«تعلیم» نیز با هدایت نسبت دارد. تعلیم بیشتر جنبه‌ی معرفتی دارد و ناظر به انتقال دانش است. اما هدایت، علاوه بر بعد معرفتی، بعد ارادی و عملی انسان را هم دربر می‌گیرد. از این جهت، تعلیم یکی از راه‌های تحقق هدایت است، اما عین آن به حساب نمی‌آید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۴۴).

همچنین مفهوم «تسدید» به معنای تثبیت و استواری بخشیدن است. تسدید در حقیقت از نتایج هدایت خاص الهی است. زمانی که انسان در پرتو ایمان و عمل صالح به مسیر درست گام نهاد، خداوند او را تسدید می‌کند و گام‌هایش را استوار می‌سازد. بنابراین تسدید مرحله‌ای بعد از هدایت و در واقع ثمره آن به شمار می‌آید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۱۰۲).

با هدایت تکوینی، «برتر و تکمیل‌کننده» است، زیرا عقل انسان به تنهایی قادر به تشخیص همه مصالح و مفاسد نیست (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۶۶).

از این رو، هدایت تشریعی بُعدی ویژه از حقیقت هدایت است که مختص به انسان می‌باشد و تنها از طریق وحی و رسالت تحقق می‌یابد.

۴,۳. هدایت ایصال به مطلوب

هدایت ایصال به مطلوب به معنای آن است که خداوند بندگان شایسته را نه تنها راهنمایی می‌کند، بلکه آنان را عملاً به مقصد نهایی یعنی سعادت اخروی و قرب الهی می‌رساند.

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ) (یونس: ۹).

این آیه دلالت دارد که ایمان و عمل صالح موجب می‌شود که خداوند مؤمنان را به مقصد نهایی هدایت کند. طبری این هدایت را به معنای «ایصال به بهشت» تفسیر می‌کند (طبری، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۲۳۲). طبرسی نیز تأکید می‌کند که هدایت در اینجا چیزی فراتر از نشان دادن راه است و در حقیقت «رساندن به مطلوب» را در بر می‌گیرد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۱۱۲).

علامه طباطبایی هدایت ایصال به مطلوب را از سنخ «عنایت خاص الهی» می‌داند که شامل حال مؤمنان می‌شود؛ به عبارت دیگر، این هدایت همان پاداش الهی است که با ایمان و عمل صالح تحقق می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۷۳). فخر رازی نیز بر جنبه غایی این هدایت تأکید دارد و آن را رساندن بنده به کمال نهایی معرفی می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۱۰۱). هدایت ایصال به مطلوب نشان می‌دهد که حقیقت هدایت صرفاً به راهنمایی نظری محدود نمی‌شود، بلکه تحقق عینی سعادت و رستگاری را نیز در بر دارد.

۴,۴. هدایت عام

هدایت عام همان هدایت ابتدایی و دعوتی است که شامل همه انسان‌ها می‌شود. خداوند از طریق عقل، فطرت و ارسال رسل، راه حق را به همگان نشان می‌دهد.

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) (انسان: ۳).

این آیه تصریح می‌کند که همه انسان‌ها از هدایت ابتدایی برخوردارند و پس از آن، خودشان انتخاب می‌کنند که شاکر باشند یا کافر. طبری در تفسیر خود بیان می‌کند: مراد از هدایت در این آیه «بیان راه خیر و شر» است که برای همه انسان‌ها آشکار شده است (طبری، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۲۴۴). طبرسی نیز می‌نویسد: این هدایت شامل عقل و شرع است که هر دو برای همه انسان‌ها عام و فراگیرند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۶).

علامه طباطبایی در المیزان بر این نکته تأکید دارد که هدایت عام جنبه اتمام حجت دارد؛ یعنی خداوند با نشان دادن راه خیر و شر، زمینه انتخاب آگاهانه را برای همه انسان‌ها فراهم می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۱۰۱). فخر رازی نیز معتقد است که هدایت عام اقتضای عدل الهی است، زیرا اگر هدایت تنها به برخی اختصاص داشت، تکلیف و حسابرسی الهی معنا پیدا نمی‌کرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۲۱۴).

هدایت عام نشان‌دهنده عدالت الهی است و همه انسان‌ها را در برابر انتخاب آزاد قرار می‌دهد.

۴.۵. هدایت خاص

هدایت خاص به هدایت ویژه‌ای گفته می‌شود که نصیب مؤمنان و پرهیزگاران می‌گردد. این هدایت، افزون بر هدایت عام، شامل عنایات ویژه الهی است که در نتیجه ایمان و تقوا حاصل می‌شود. ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى﴾ (محمد: ۱۷).

این آیه بیان می‌کند که کسانی که در مسیر هدایت گام بردارند، خداوند هدایت بیشتری به آنان عطا می‌کند. طبری در تفسیرش می‌گوید: مراد از افزایش هدایت، تثبیت ایمان و عطای توفیق برای اعمال صالح است (طبری، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۲۷۶). طبرسی نیز معتقد است که هدایت خاص مراتبی دارد و هر چه ایمان و تقوا بیشتر شود، درجات هدایت نیز فزونی می‌گیرد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۱۱۹).

علامه طباطبایی این آیه را شاهی بر «سنت الهی در تکامل هدایت» می‌داند؛ به این معنا که پاسخ مثبت به هدایت ابتدایی، زمینه‌ساز دریافت هدایت خاص و عمیق‌تر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق،

ج ۱۷، ص ۴۵). فخر رازی نیز می‌گوید: هدایت خاص نوعی «امداد باطنی» است که خداوند در دل مؤمنان قرار می‌دهد و آنان را به سوی مراتب بالاتر قرب الهی می‌رساند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ص ۷۷).

هدایت خاص در حقیقت نقطه اوج هدایت الهی است که تنها شامل اهل ایمان و عمل صالح می‌شود.

نتیجه‌گیری

نخستین نتیجه‌ی پژوهش این است که حقیقت هدایت در قرآن یک مفهوم چندلایه است که نمی‌توان آن را در معنای محدود «نشان دادن راه» خلاصه کرد. بررسی آیات نشان داد که هدایت از ساحت تکوینی آغاز می‌شود؛ یعنی خداوند در سرشت همه موجودات نوعی راهبری طبیعی نهاده است. این بعد، بنیاد هستی‌شناختی هدایت قرآنی را تشکیل می‌دهد و نشان می‌دهد که حقیقت هدایت در عمق نظام آفرینش حضور دارد.

دوم آنکه هدایت تشریعی و وحیانی، مرتبه‌ای خاص از هدایت است که تنها به انسان اختصاص دارد. قرآن کریم در مقام کتاب هدایت، «أقوم» راه‌ها را معرفی می‌کند و در کنار عقل و فطرت، مرجع نهایی تمایز حق از باطل است. این بخش از هدایت نشان‌دهنده ضرورت ارتباط انسان با وحی برای رسیدن به سعادت است.

سوم اینکه هدایت قرآنی صرفاً در سطح نظری باقی نمی‌ماند، بلکه در مرتبه‌ای برتر، به «ایصال به مطلوب» می‌انجامد. خداوند بندگان مؤمن و نیکوکار را با امداد ویژه خود به مقصد نهایی که همان بهشت و قرب الهی است، می‌رساند. در این میان، تفاوت مهمی میان هدایت عام و خاص وجود دارد: هدایت عام به همه انسان‌ها عرضه می‌شود تا حجت بر آنان تمام گردد، اما هدایت خاص تنها نصیب مؤمنان می‌گردد و آنان را به مراتب بالاتر تقوا و معرفت می‌رساند.

حقیقت هدایت در قرآن دارای پیوستگی و مراتب است: از هدایت ابتدایی و عام، تا هدایت تشریعی، و از آنجا تا هدایت خاص و ایصال به مطلوب. این مراتب نشان می‌دهد که هدایت

فرآیندی پویاست و در عین حال، حقیقتی ثابت و مطلق دارد که هم در نظام خلقت و هم در حیات فردی و اجتماعی انسان تجلی می‌یابد. چنین نگاهی می‌تواند به بازخوانی جایگاه هدایت در اندیشه دینی و تربیتی مسلمانان کمک کند و مسیر جدیدی برای فهم عمیق‌تر آموزه‌های قرآنی بگشاید.

فهرست منابع و مآخذ

• قرآن کریم

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (بی‌تا). لسان العرب (ج ۱۴). بیروت: دار صادر.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دار القلم.
۳. سبحانی، جعفر. (۱۳۷۴). منشور جاوید (ج ۳). قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۴. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (۲۰ جلد). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۲). تهران: ناصر خسرو.
۶. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۲۲ق). جامع البیان عن تأویل آی القرآن (تحقیق: أحمد محمد شاکر، ۳۰ جلد). بیروت: دار الفکر.
۷. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (۳۲ جلد). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۳۸۲). تفسیر الصافی (چاپ جدید، ج ۱-۲). تهران: انتشارات صدر.
۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ج ۶۷). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). مجموعه آثار: عدل الهی (ص ۴۳). تهران: صدرا.
۱۱. معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۵ق). التمهید فی علوم القرآن (ج ۲-۳). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

